

سال دوم

جلسه ۱۷

سال تحصیلی ۹۰ - ۹۱

۲۶ / ۷ / ۹۰ سه شنبه

اقوال در بحث حروف

قول سوم

حرف و اسم  
در معنا  
با هم مختلف اند

قول دوم

حرف و اسم  
معنای واحدی دارند

قول اول

دارای معنا نیستند

بررسی حرف

اشکال و جوابی از مرحوم آخوند

جواب :

«الفرق بینهما إنما هو فی اختصاص کل منهما بوضع»

پنج تقریر از جواب ایشان، شده است :

۵	۴	۳	۲	۱
تقریر مرحوم حائری	تقریر مرحوم روحانی	تقریر مرحوم مروّج	تقریر مرحوم اصفهانى	تقریر مرحوم نائینی

اشکال :

در این صورت، «اسم و حرف» هم معنی می شوند

=

پس می توان در جای یکدیگر استعمال کرد

=

بالضروره باطل است

مراد کلام مرحوم آخوند : «اشترای الواضع»

نکته

۱

تقریر  
مرحوم  
نائینی

مراد از «اشترای الواضع» :  
واضع شرط کرده است که :

- در هنگام استعمال «ابتدا» در معنای اسمی، از لفظ «ابتداء» استفاده کنیم  
- در هنگام استعمال «ابتدا» در معنای حرفی، از لفظ «من» استفاده کنیم

اگر : داخل در موضوع له است :  
در این صورت : موضوع له «مقیّد» است = «خاص» شدن موضوع له

اشکال  
مرحوم  
نائینی  
«شرط واضح» :

اگر : خارج از موضوع له است :  
در این صورت : چرا باید از شرط واضح، «تبعیت» کنیم؟  
در حالی که : شرط، دخالتی در موضوع له ندارد  
و در حالی که : شرط گذارنده، حقی بر ما ندارد  
ان قلت : واضح، خداست

قلنا : تبعیت نکردن از دستورات شارع، حرام است ولی کلام را «غلط»  
نمیکند

با این تقریر : معنای «بوضع» در عبارت «فی اختصاص کل منهما بوضع» :  
به معنای «شرط» می شود

ان قلت :

حکم خداوند، حکم وضعی است نه تکلیفی = ارشاد به فساد دارد  
در این صورت : عمل کردن خلاف شرط، موجب «غلط» شدن است

قلنا :

غلط یعنی : استعمال لفظ در غیر موضوع له بدون مناسبت  
معنای اسم و حرف یکی است: پس استعمال به جای یکدیگر غلط نیست  
پس : امر الهی، ارشاد به «فساد» نیست

ان قلت

+

قلت

ان قلت : چه فرقی است :

بین تبعیت از واضع در «اصل وضع» و بین تبعیت از او در «شروط وضع»

قلنا :

در «اصل وضع» نیز اطاعت از واضع، لازم نیست  
حتی : وضع وقتی حاصل می شود که عقلاء وضع او را بپذیرند  
سخن در این جاست که : اگر «وضع را منهای شرط» بپذیرفتیم، چرا به کار  
رفتن هر یک از اسم و فعل به جای دیگر، غلط باشد؟

ان قلت

+

قلت

مراد از شرط چیست؟

- گاه به نحو «شرط متأخر» است

- گاه به نحو «شرط متقدم» است

۱. شرط عقلی

۲. شرط فقهی

مراد آخوند، «شرط متقدم عقلی» نیست  
علت : مستلزم دور است

مراد آخوند، «شرط متأخر عقلی» نیست  
علت : وضع پدید می آید و استعمال بعدی کاشف است از اینکه :  
وضع از ابتدا «مع الشرط» بوده است

مراد آخوند، «التزام فی التزام» است  
علت : مستلزم دور است

احتمالات  
مرحوم  
مشکینی

تعیین  
احتمال

ما  
می گوییم

۱

تقریر  
مرحوم  
نائینی

۱. ظاهراً مراد از «تقری شرطیت»: همین شرطیت فقهی (التزام فی التزام) است

۲. اصل تقریر شرطیت، با اشکالات جدی مواجه است = پذیرفتنی نیست

۳. آنچه که به ذهن مرحوم آخوند رسیده، از «کجا» رسیده است و دلیلشان چیست؟

«لحاظ آلی» در حروف و «لحاظ استقلالی» در اسماء = قیدی برای علقه وضعیه است

توضیح : به وسیله وضع (به معنای مصدری = وضع کردن) :  
بین لفظ و معنی علاقه ایجاد می شود = باعث می شود بتوانیم این لفظ را در  
این معنی استعمال کنیم

گاهی :

علاقه به وسیله «وضع» حاصل می شود و در «وضعیت خاصی» ثابت می ماند

با این تقریر:

«بوضع» در کلام مرحوم آخوند، به معنای «بحال» خواهد بود

در عالم اعتبار، «وضع»، علت است و «علقه وضعیه» معلول.  
و علقه وضعیه، پیوند بین معنی و لفظ است

حال: «لحاظ استقلالی» و «لحاظ آلی» قید معنی (موضوع له) نیستند  
بلکه قید «علقه وضعیه» هستند

به این معنی که:

در حال «لحاظ استقلالی»: علقه وضعیه بین معنای ابتداء و لفظ ابتداء هست  
در حال «لحاظ آلی»: این علقه وجود ندارد



اشکال  
مرحوم  
اصفہانی

رابطه «قیودات»  
و «معنای  
مطلق» :

۱. از شؤون آن معنای مطلق باشند = می تواند «مقیّد» معنای مطلق باشد  
مثال : انسان را تقسیم می کنیم به «انسان عالم» و «انسان جاهل»

۲. از شئون معنای مطلق نباشند = نمی توانند معنای مطلق را تقسیم کنند  
مثال : سفیدی سنگ و قرمزی سنگ نسبت به «انسان»

لحاظ استقلالی و لحاظ آلی از شئون معنا و موضوع له است  
= نمی توانند «مقیّد و مقسّم» علقه وضعیه باشند

اگر هم گاهی علقه وضعیه به حساب این دو تقسیم می شوند:  
این از باب «وصف به حال متعلّق» است

در تکمیل فرمایش ایشان باید گفت:

«لحاظ استقلالی و آلی» را باید معلوم کنیم: لحاظ استقلالی و آلی چه چیزی؟

مسلماً مراد لحاظ استقلالی و آلی، «معنی و موضوع له» است

در حالیکه آنچه می تواند علقه وضعیه را مقید کند، «لحاظ استقلالی و آلی علقه وضعیه»

است که امری بی معنی است

ما  
می گوئیم

لحاظ استقلال و آلی، در مقام «استعمال» است

اگر گفتیم علقه وضعیه، متوقف بر لحاظ استقلال و آلی است :  
در حقیقت علقه وضعیه متوقف بر استعمال است

در حالیکه تا علقه وضعیه نباشد، استعمال نیست

اشکال  
مرحوم  
روحانی

اینکه «لحاظ استقلال و لحاظ آلی در مقام استعمال است»، حرف کاملی نیست.  
بلکه می توان این دو لحاظ را در «مقام وضع» هم تصور کرد

ما  
می گوئیم